

**A Critical Review on the Book**  
*Principles of Islamic Management and its Patterns by*  
*Documentary Method*

Rasoul Ostadi\*

Rouhollah Tavalaei\*\*

**Abstract**

Islamic management is a science that is expected to become more operational in the Islamic Republic of Iran. Religious-managerial researchers have also done more research in this area. One of these scholars is Hojjatoleislam Naghi Porfar, who wrote a book entitled "Principles of Islamic Management and Its Patterns" in the 1970s. This research has reviewed this valuable book to examine its advantages and disadvantages. In this research, after introducing the author and a brief summary of the book, he deals with the background of research conducted in the field of Islamic management in order to critically review this book using previous research. In terms of form and structure, the book has some advantages such as using rich introductions to prepare the reader for the main content, as well as simple writing of the five principles. Considering the disadvantages the existence of writing defects, punctuation marks, the lack of information section, and etc can be mentioned. In terms of content, the book uses the method of quoting verses and hadiths to prove its content and only five principles, non-precedence over God and the Prophet, heresy, unity and harmony, management based on the power of forces and management based on insight forces are reviewed critically in detail.

**Keywords:** Islamic Management, Book Critique, Documentary Method.

---

\* PhD Student in Systems Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran (Corresponding Author),  
slostadi@ihu.ac.ir

\*\* Associate Professor of Industrial Management, Faculty Member, Imam Hossein University, Tehran, Iran,  
ckm@ihu.ac.ir

Date received: 2021-02-08, Date of acceptance: 2021-01-30



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## نقد کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن به روش اسنادی

رسول استادی\*

روح‌الله تولایی\*\*

### چکیده

مدیریت اسلامی علمی است که در جمهوری اسلامی ایران اجرایی شدن آن بیش‌تر موردانتظار است. محققان دینی - مدیریتی نیز در این حوزه تحقیقات بیش‌تری انجام داده‌اند. یکی از این محققان حجة الاسلام ولی‌الله نقی‌پورفر است که در دهه ۱۳۷۰ کتابی با عنوان *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن* نوشت. این پژوهش به نقد و بررسی این کتاب ارزش‌مند می‌پردازد تا محاسن و کاستی‌های آن را موردبررسی قرار دهد. در این پژوهش بعد از معرفی نویسنده و خلاصه‌ای از کتاب به پیشینه تحقیقات انجام‌شده در حوزه مدیریت اسلامی پرداخته می‌شود تا با استفاده از تحقیقات پیشین نقد و بررسی دقیق این کتاب انجام گیرد. از نظر شکلی و ساختاری کتاب محاسنی دارد، مانند استفاده از مقدمات غنی برای آماده‌کردن خواننده برای مطالب اصلی و هم‌چنین نگارش ساده اصول پنج‌گانه. از معایب آن وجود ایرادهای نگارشی، علائم سجاوندی، نداشتن بخش فهرست اعلام، و ... است. از منظر محتوایی نیز کتاب از روش استناد به آیات و روایات برای اثبات مطالب خود استفاده کرده و تنها به پنج اصل عدم تقدم بر خدا و رسول، آخرت‌گرایی، وحدت و هماهنگی، اعمال مدیریت براساس اختیار نیروها، و اعمال مدیریت براساس بصیرت نیروها اکتفا کرده که به صورت مفصل به نقد این اصول پرداخته می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** مدیریت اسلامی، نقد کتاب، روش اسنادی.

\* دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،  
rslostadi@ihu.ac.ir

\*\* دانشیار مدیریت صنعتی، عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. ckm@ihu.ac.ir  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۹



## ۱. مقدمه

اهمیت علم مدیریت بر کسی پوشیده نیست. ظهور مکاتب مدیریت نشان داد که انسان‌ها بر آن بوده‌اند که به کمک برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، هماهنگی، و کنترل سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی را به‌نظم درآورند و به زندگی بهینه دست یابند، اما تمامی مکاتب مدیریت به اصول مشترکی پای‌بند نبوده‌اند و به فراخور نیازهای مبتنی بر شرایط تاریخی، اجتماعی، و سیاسی به طراحی الگوها و مدل‌های خاصی پرداخته‌اند. در این میان، مدیریت اسلامی بر این باور است که بر تمامی جنبه‌های مدیریت اشراف دارد و الگوها و مدل‌های موجود در کتاب و سنت کشورهای اسلامی را از الگوهای غیراسلامی بی‌نیاز می‌سازد و مشکلات عدیده‌ای را رفع می‌کند که بر اثر به‌کارگیری الگوهای غیراسلامی و نامتناسب با جوامع اسلامی ایجاد شده است (سرمد سعیدی ۱۳۷۸: ۵۱).

در سال‌های اخیر محققان بسیاری به پژوهش و تألیف کتاب به‌منظور آشنایی و بهره‌گیری مدیران از نظریه‌های اسلامی، چه نظریه‌های متقدم مدیریت اسلامی و چه نظریه‌های متأخر آن، پرداخته‌اند. یکی از این آثار، کتاب *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن* نوشته حجة الاسلام ولی الله نقی پورفر است که به‌گفته او کتاب مدنظر «تلاشی است محدود در حد بضاعت ناچیز در استخراج اصول مدیریت اسلامی و شناسایی الگوهای آن‌ها در سیره انبیا و اولیا که امید است به‌عنایت خدای واسع علیم، به‌عنوان قدمی هرچند کوچک، در فتح باب پژوهش‌هایی این‌چنینی در عرصه فرهنگ و منابع اسلامی، قرار گیرد».

این کتاب سه مقدمه و پنج اصل از اصول مطرح‌شده به‌هم‌راه الگوهای آن‌ها را در بر دارد. با توجه به ارزش و پرمحتو بودن کتاب، به نقد این کتاب مبادرت ورزیده شده است. این نقد در جهت کمک به نویسنده و هم‌چنین معرفی هرچه بیشتر کتاب به خوانندگان حوزه مربوط است و در نظر دارد تا در چند بخش زیر به نقد کتاب بپردازد:

۱. معرفی نویسنده کتاب به خوانندگان؛
۲. ارائه خلاصه کتاب برای آشنایی با محتوای کتاب؛
۳. ارائه جایگاه و مقایسه کتاب طبق مستندات پژوهش‌های پیشین؛
۴. نقد شکلی و ساختاری کتاب؛
۵. نقد نظری و محتوایی کتاب؛
۶. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها برای ارتقای کتاب.

## ۱.۱ معرفی نویسنده

دکتر ولی الله نقی پورفر از اعضای هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و الهیات دانشگاه قم است. وی در سابقه اجرایی خود عضویت در کرسی‌های مدیریت کشور، عضویت در کارگروه تحول علوم انسانی، و عضویت در کمیته دستگامی نظریه‌پردازی را دارد. در عرصه علوم قرآن و تفسیر، خانواده در اسلام، فقه قرآنی، و مدیریت اسلامی متخصص است. از کتب تألیفی وی می‌توان به پژوهش درباره تدبیر در قرآن، بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن، و اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن اشاره کرد. او چهارده مقاله منتشر کرده و راه‌نمایی پنجاه پایان‌نامه کارشناسی ارشد و سه رساله دکتری را برعهده داشته است.

## ۲. ادبیات نظری و پیشینه

### ۱.۲ معرفی کتاب

کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن از آثار برجسته حجة الاسلام نقی پورفر است. کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسید و آخرین چاپ آن متعلق به سال ۱۳۹۴ است. به گفته نویسنده در پیش‌گفتار، این کتاب حاصل بخشی از بحث‌هایی است که در گردهم‌آیی‌ها با استادان مدیریت و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری مدیریت مطرح شد، سپس نتایج مباحث به صورت کتاب درآمد. این کتاب سه مقدمه و پنج اصل دارد که در مقدمه اول در مورد نقش زمان، مکان، و دیدگاه ولایت فقیه در فهم و تحقق دین صحبت کرده، در مقدمه دوم در مورد مدیریت از دیدگاه قرآن، ائمه معصوم (ع)، دین اسلام، و علم و در مقدمه سوم، در مورد مبانی پژوهش و تحقیق در قرآن و مدیریت اسلامی بحث کرده است و در نهایت در پنج اصل به ادامه مباحث پرداخته است.

مقدمه اول در دو بخش کلی به نقش «زمان و مکان» و نقش «دیدگاه ولایت فقیه» در فهم و تحقق دین پرداخته که در بخش اول در سه بُعد فهم و درک قرآن کریم، فهم سنت معصوم (ع)، و تحقق دین نکاتی را هم‌چون توجه به تاریخ صدور قرآن، توجه به امر مکی و مدنی بودن آیات، توجه به ترتیب نزول آیات، و ... ارائه کرده است و درباره میزان فهم مخاطب در کیفیت و سطح صدور سنت، ضرورت اداره حکومت با توجه به اقتضای زمان، و ... مطالبی آورده است. در بخش دوم، با تعریف مفهوم ولایت فقیه طبق فرموده امام خمینی (ره)، اهمیت نگرش دینی از منظر حکومت یادآوری شده است و مؤلف بیان می‌کند که باید به سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) از منظر اجتماعی و حکومتی نگریسته

شود و آنان را به‌عنوان راه‌بران جامعه اسلامی، به‌سوی نظام اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی، مورد‌عنایت قرار داد و سه بعد فهم سنت معصوم (ع)، فهم قرآن کریم، و تحقق دین را در این بخش بررسی می‌کند. در بُعد اول مثال‌هایی هم‌چون هجرت به حبشه، هجرت به مدینه، پایگاه ابوبصیر، انذار خویشان، لیلۃ‌المبیت، وجوب حنابستن، و وجوب وضوی مجدد را برای نشان‌دادن جایگاه نقش ولایت فقیه آورده است. در بُعد فهم قرآن کریم به‌صورت خلاصه به بعضی آیات اشاره کرده که این آیات بیان‌گر این‌اند که در یک کشور به حکومت اسلامی نیاز است. آیاتی هم‌چون آیه ضرورت شکل‌گیری نهاد امر به معروف و نهی از منکر، دست‌گیری و مجازات، تبعید و اعدام مزاحمان نوامیس مؤمنان، جنگ با دشمنان، و...؛ در بُعد سوم به بررسی تحقق دین مانند اعلام احکام جدید مطابق با اقتضای زمان برای حفظ نظام اسلامی پرداخته است.

در مقدمه دوم در بخش مدیریت از دیدگاه قرآن و معصوم (ع) مصلحان جامعه را دو گروه معرفی می‌کند که آن‌ها علما یا کسانی‌اند که رهبری فکری مردم را برعهده دارند و امیران جامعه یا کسانی هستند که مسئولیت اوضاع اجتماعی و اجرایی را پذیرا شده‌اند. این دو گروه را برخاسته از حوزه و دانشگاه معرفی می‌کند و متذکر می‌شود که باید این دو مرکز توجه قرار گیرند. در ادامه شرط اساسی اصلاح مصلحان را به دو اصل مسلح به فرهنگ قرآنی و مصمم به اجرای این فرهنگ در جامعه منوط می‌سازد و مرور مکرر قرآن و رجوع مکرر به قرآن را از زمینه‌های اساسی توان‌مندی مدیریت اسلامی می‌داند. در بخش دوم به‌نام «دین اسلام و دین نویسنده» به تمسک به کل قرآن اشاره می‌کند و می‌گوید به کل قرآن باید تمسک جست، نه این‌که به بخشی از قرآن التزام داشت و به بخش دیگر نه، زیرا قرآن پیکری واحد است و حذف بعضی آیات آن به منزله قطع عضوی از این پیکر است.

در مقدمه سوم در بخش اول به مبانی پژوهش در قرآن می‌پردازد و امر تدبیر را بهترین راه برای ارتباط با قرآن بیان می‌کند و دو مفهوم ژرف‌اندیشی و ژرف‌نگری / عاقبت‌اندیشی و عاقبت‌نگری را برای تدبیر ذکر می‌کند و این تدبیر زمینه مساعدی را فراهم می‌کند تا انسان به‌روشنی و به‌سهولت بتواند ملکوتی بودن قرآن را درک کند. سپس عوامل سطحی‌نگری را، که مانع تدبیر شده است، پیروی از هوی و هوس، ارتکاب معاصی، و مشغله‌های دنیایی دانسته است. در نهایت نویسنده دو خصوصیت متدبیر را توجه به باطن امور و توجه به عاقبت امور ذکر کرده و هشت مورد عوامل توان تدبیر را به این صورت بیان کرده است: «انس و رفاقت با قرآن، اقامه نماز، انفاق، حسن خلق، اعمال صالح، ابتلائات، پی‌آمدهای عمل، و یاد مرگ و اهل قبور». در بخش دوم به منابع تحقیق در مدیریت اسلامی پرداخته و

این پنج منبع را منابع تحقیق در مدیریت اسلامی دانسته است: «قرآن، احادیث ذیل آیات، سیره نظری و عملی معصومین (ع)، تفاسیر معتبر، و معجم‌های قرآن و احادیث».

در اصل اول، به نام «عدم تقدم بر خدا و رسول»، بیان می‌کند که از هرچه خدا و پیامبر حکمی داده باشند، چه در حوزه عمل و چه در حوزه علم و نظر، باید تبعیت شود؛ یعنی در همه حوزه‌های فعالیت انسانی اصل «عدم تقدم بر خدا» و سپس «عدم تقدم بر رسول» حاکم است، به خصوص در حوزه‌های مدیریت که موضوع مورد بحث است. آیاتی در مورد اطاعت پیامبر از خدا و اطاعت مؤمنان از پیامبر و خداوند را مطرح می‌کند و هم‌چنین به کیفیت این تبعیت نیز با آوردن آیاتی مانند ۶۵ آیه از سوره نساء یادآور می‌شود. در آخر فصل، الگوهای حضرت ابراهیم (ع) و ذبح حضرت اسماعیل (ع)، حضرت ابراهیم (ع) و آتش نمرود، حضرت یونس (ع) و خروج بدون اذن، حضرت لوط (ع) و فرمان خروج، حضرت موسی و فرمان خروج، حضرت پیامبر (ص) و سران قریش، حضرت علی (ع) و پیش‌نهاد ائتلاف، صبر حضرت فاطمه (ع)، صبر امام حسین (ع) و حضرت زینب (س)، حضرت علی (ع) و صلح حدیبیه، مالک اشتر و حضرت علی (ع)، قضاوت حضرت داوود (ع)، و درنهایت حضرت یوسف (ع) و همسر وزیر را برای نشان‌دادن اصل عدم تقدم بر خدا و رسول (ص) بیان می‌کند.

در اصل دوم به نام «آخرت‌گرایی»، توضیح می‌دهد که آخرت‌گرایی نفی دنیا نیست، بلکه امکانات دنیوی را در جهت اهداف اخروی قرار دادن است و به معنی تلبس به ارزش‌های قرآنی و الهی است که ما را در مسیر الهی به پیش می‌برد و از سقوط به جهنم هوی و هوس‌ها نجات می‌بخشد. در ادامه الگوهای مربوط به آخرت‌گرایی را آورده است که به‌قرار ذیل‌اند: برخورد خداوند با قارون و ثروتش، برخورد حضرت موسی (ع) با گوساله سامری، حضرت پیامبر (ص) و زینت دنیا، حضرت پیامبر (ص) و مشرکان، حضرت پیامبر (ص) و گرفتن اسیر، مسلمانان و جنگ بدر، و پیامبر و اجرای حدود. هم‌چنین، توجیه‌گری، تنفر از حق، استکبار و انکار حق، خروج از راه خدا و سقوط، سلطه شیطان و تبعیت از او، آلودگی تمام‌عیار، عذاب، و گم‌راهی و گرفتاری شدید را از آثار سوء عدم آخرت‌گرایی دانسته و درنهایت شاخص‌های نظام اسلامی در مسیر آخرت‌گرایی را جمع‌بندی کرده است و ساده‌زیستی و زهد مدیریت، جاری‌بودن فرهنگ انفاق در جامعه، حل مشکل ازدواج، سلامت و طهارت خانم‌ها در جامعه، حل مشکل اشتغال، توزیع عادلانه ثروت، حرمت انسان‌ها و امنیت روانی جامعه، و آزادی بیان.

در اصل سوم، به نام «وحدت و هماهنگی»، وحدت فرمان‌دهی و وحدت امر را عاملان هماهنگی همه پدیده‌ها آورده است. همه عبد خدا هستند و بر محور امر خدا فعالیت می‌کنند. پس براساس و محور توحید در عالم سیستمی منظم و منسجم پدیده آمده است. نویسنده امامت الهی را محور اساسی وحدت معرفی کرده و چندین آیه را، مانند آیه «این امت باید امت واحد باشد، من هم خدای واحد چهارم، پس در ضمن امت واحد، مرا بپرستید»، آورده است و حوزه‌های وحدت را نیز متذکر می‌شود. وحدت در قانون و اجزای آن، وحدت در رهبری، وحدت در عمل، وحدت در روش، وحدت در تعامل، و وحدت در جهت هدف را از حوزه‌های وحدت به حساب می‌آورد. در ادامه الگوهای مربوط به اصل وحدت و هماهنگی را بیان کرده است و توضیح می‌دهد که این الگوها عبارت‌اند از سیره امیر مؤمنان (ع) و هارون (ع) در غیبت موسی (ع).

در اصل چهارم، به نام «اعمال مدیریت براساس اختیار نیروها» بیان شده است که خداوند در نظام خلقت مدیریت الهی را بر شوق و رغبت پدیده‌ها استوار کرده است؛ یعنی این‌که همه پدیده‌ها با میل و رغبت یا به کراهت تحت فرمان الهی آدای وظیفه کنند و این سنت الهی است که انسان براساس اختیار اعمال رأی و اراده کند. آیاتی هم چون آیه ۲۵۶ بقره، ۲۱-۲۲ غاشیه، و ... را برای نشان‌دادن اختیار و نبود اجبار نشان داده است. الگوهای این اصل را بر سه قسم آورده است:

الف. رفتار سازمانی معصوم با معصوم: حضرت خضر (ع) با موسی (ع)، حضرت ابراهیم (ع) با اسماعیل (ع)؛

ب. رفتار سازمانی معصوم (ع) با غیر معصوم: حضرت موسی (ع) با بنی اسرائیل، پیامبر (ص) با نیروهای تحت فرمان، پیامبر (ص) و جنگ احد، امیر مؤمنان با نیروهای تحت فرمان، امام حسین (ع) با یاران با وفا؛

ج. رفتار سازمانی غیر معصوم با غیر معصوم: مانند رفتار ولایت فقیه با مردم که براساس اصل اختیار و اصل بصیرت خواهد بود.

در اصل پنجم، به نام «اعمال مدیریت براساس بصیرت نیروها» بیان می‌دارد که مدیر نمی‌تواند براساس جهل، تقلید، و تحریک مردم را به اطاعت بکشاند، بلکه باید با آگاهی و اختیار نه با جهل و غفلت به این امر مبادرت ورزد. آیاتی برای مستند کردن اصل بصیرت آورده است، هم چون آیه ۱۰۴ سوره انعام که می‌فرماید: «هرکس بصیر باشد و بصیرت قرآنی بگیرد، به نفع خودش کار کرده است؛ و هرکس کور شود و کلام خدا را نپذیرد، به ضرر خویش اقدام نموده است و من هیچ سلطه و کنترلی بر شما ندارم». دو مطلب



بصیرت در حوزه پذیرش دین و حوزه عمل به احکام خدا در این آیه مورد تذکر قرار گرفته است. پس از ذکر تمام آیات، تقلید را از عوامل سقوط به ورطه حیوانیت دانسته است. سپس به صورت تیتروار الگوهای ارائه شده در مورد این اصل را می آورد: داستان حضرت موسی (ع) و حضرت خضر (ع)، حضرت ابراهیم (ع) با حضرت اسماعیل (ع)، پیامبر و جنگ بدر، امام حسین (ع) در شب عاشورا، برخورد امیر مؤمنان با خوارج، و فرعون و جادوگران (نقدی بر دموکراسی غربی).

## ۲.۲ بررسی جایگاه کتاب در تحقیقات پیشین

با بررسی تحقیقات گذشته در حوزه نقد کتاب، یک مقاله «نقد کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن حجة الاسلام دکتر ولی الله نقی پورفر» مشاهده شد که در سال ۱۳۷۹ در مجله میان رشته‌ای نامه علوم انسانی به قلم نبوی به چاپ رسیده است. این مقاله نقد کتاب را از سه زاویه «غنای تحقیق»، «محتوای کتاب»، و «شیوه نگارش» مورد بررسی قرار داده است. نوآوری‌ای که در مقایسه با نقد مذکور در این نقد وجود دارد، اولاً به‌روزر بودن آن و ثانیاً استفاده از روش اسنادی برای نقد کتاب است.

در تحقیقات حوزه مدیریت اسلامی مقالاتی نوشته شده است که محقق در نظر دارد تا جایگاه این کتاب را در آن‌ها بررسی کند. این بررسی موجب می‌شود کتاب بهتر مورد نقد قرار بگیرد و کمبودها و محاسن آن بیش‌تر نمایان شود. در این قسمت، تمام تحقیقات پیشین، که به نقد کمک می‌کند، آورده می‌شود و در قسمت یافته‌ها جایگاه کتاب در تحقیقات پیشین بررسی می‌شود.

در وهله اول خنیفر (۱۳۸۴: ۱۶۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی» با تأکید بر آثار منتخب، کتاب‌های مدیریت اسلامی را به صورت زیر تقسیم‌بندی کرده است:

۱. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را با استناد به آیات، روایات، و انطباق با مباحث به‌طور مختصر تبیین کرده‌اند؛
۲. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را با استناد به آیات، روایات، و انطباق با مباحث علمی به‌طور مختصر تبیین کرده‌اند؛
۳. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را به‌طور تطبیقی و مقایسه‌ای تبیین کرده‌اند؛
۴. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را با استناد به استدلال‌های عقلی تبیین کرده‌اند؛

۵. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را با استناد به نهج‌البلاغه تبیین کرده‌اند؛
  ۶. کتاب‌های مدیریت اسلامی با رویکرد اخلاقی؛
  ۷. کتاب‌های مدیریت اسلامی با رویکرد ادبی.
- چاووشی (۱۳۸۸: ۴۶)، در مقاله «بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی»، تاریخچه مدیریت اسلامی را در دو گروه نظریه‌های متقدم مدیریت اسلامی قبل از نهضت مدیریت علمی و نظریه‌های متأخر مدیریت اسلامی را بعد از نهضت مدیریت علمی معرفی می‌کند و پنج نظریه در مدیریت اسلامی را مشخص می‌کند:
۱. رویکرد نظری رشد در مدیریت اسلامی: مانند رویکرد شهید مطهری؛
  ۲. رویکرد اصول‌گرایی: مانند رویکرد شهید بهشتی؛
  ۳. رویکرد اخلاق و ویژگی‌های مدیران اسلامی؛
  ۴. رویکرد وظایف مدیران مسلمان: از میان کتب و مقالات در زمینه مدیریت اسلامی بیش‌ترین درصد به این رویکرد اختصاص دارد (کیا ۱۳۷۷؛ محمدی ری‌شهری ۱۳۸۵؛ نقی‌پورفر ۱۳۸۳)؛
  ۵. رویکرد تأثیر ارزش‌های اسلامی بر مدیریت: نظریه‌پردازان اصلی این دیدگاه عبارت‌اند از آیت‌الله مصباح یزدی، دکتر منوچهر کیا، و دکتر عبدالله زندیه.
- رحمتی (۱۳۸۸: ۱۶۱) در مقاله خود به نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی پرداخته و در چهار بعد این مطالعات را به‌صورت زیر تقسیم‌بندی کرده است:
- الف. بُعد موضوعی یا محتوایی:
۱. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را در حد نظریه‌ها و اصول مدیریت و حکومت‌داری مطرح کرده‌اند،
  ۲. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را از حد نظریه‌ها گذرانده و تا حدودی وارد تکنیک‌ها و برنامه‌های اجرایی شده‌اند،
  ۳. کتاب‌هایی که هدف آن‌ها ارائه پندها و آموزه‌های اخلاقی برای مدیران جوامع اسلامی و انتقال اصول یا فنون مدیریت است؛
- ب. بُعد روش‌شناختی:
۱. کتاب‌هایی که در آن‌ها مبنا و ساختار اصلی کتاب برپایه نظریه‌های غربی مدیریت قرار دارند و طی مطالعه از متون و منابع اسلامی تأییدهایی برای آن‌ها گردآوری شده است،
  ۲. کتاب‌هایی که در آن‌ها مبنا متون و منابع اسلامی است و هر آیه و نشانه‌ای که به‌زعم نویسنده با مباحث مدیریت و حکومت‌داری در جامعه اسلامی مرتبط بوده، گردآوری شده و از ساختاربندی آیات و احادیث کتابی تدوین شده است؛

ج. بُعد منابع مورد استفاده:

۱. کتاب‌هایی که عمدتاً به استناد آیات و روایات به‌نگارش درآمده‌اند، ۲. کتاب‌هایی که به استناد متون و منابع علمی مدیریت و برپایه آیات و روایات به‌نگارش درآمده‌اند، ۳. کتاب‌هایی که عمدتاً برپایه نهج‌البلاغه تدوین شده‌اند، از جمله منشور مدیریت یا نگرش تطبیقی به فرمان حکومتی علی (ع) به مالک اشتر، ۴. کتاب‌هایی که منابع آن‌ها سخن‌رانی‌ها یا مقالات متنوع و مختلف است و ساختار منسجمی برای آن‌ها نمی‌توان در نظر گرفت؛

د. بُعد نویسندگان یا مؤلفان آثار:

۱. مؤلفانی که حوزه تخصص آن‌ها مطالعات دینی و مذهبی است و مدیریت را به‌طور جنبی یا استفاده از آثار اندیشمندان دینی کسب کرده‌اند، ۲. مؤلفانی که حوزه تخصص آن‌ها مدیریت است و جنبه دینی را از طریق مطالعات جنبی یا استفاده از آثار اندیشمندان دینی کسب کرده‌اند، ۳. مؤلفانی که جنبه دوساحتی حوزوی و دانشگاهی دارند و رشته مطالعاتی آن‌ها در دانشگاه مدیریت بوده است.

مقیم (۱۳۹۸: ۸۹)، در کتاب اصول و مبانی مدیریت اسلامی، الگویی برای روش‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی ارائه کرده است که شامل شش روش است:

۱. روش وحیانی: دستیابی به علم یقینی از طریق وحی الهی، ۲. روش شهودی: ارتباط با حقایق عینی از طریق القائات ملکی یا رحمانی، ۳. روش نقلی: شناخت حقایق جهان با استفاده از کتاب و سنت، ۴. روش عقلی: درک مفاهیم کلی از امور جزئی به‌دست‌آمده از طریق حواس و تدوین اصول و قواعد کلی مدیریت، ۵. روش تجربی: شناخت پدیده‌ها و واقعیات عینی سازمانی از طریق حواس و ابزارهایی هم‌چون استقرا، تجربه، و مشاهده. از این رو، باید بررسی کرد کتاب دکتر نقی پورفر با کدام روش مطالعاتی گردآوری شده است.

حمیدی‌زاده (۱۳۷۴: ۸) در مقاله‌ای به نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی پرداخته و آگاهی و بینش را در مدیران برای تدوین سیاست‌های استراتژیک سازمان لازم دانسته و سه نوع آگاهی را معرفی کرده است: ۱. آگاهی و بینش از احکام و فرامین الهی، ۲. آگاهی و بینش از امور علمی، ۳. آگاهی و بینش از امور سیاسی. باید بررسی کرد که آیا کتاب موردتحقیق درباره پیش‌بینی و آینده‌نگری بحثی کرده است یا خیر که در بخش یافته‌ها به بررسی این موضوع پرداخته خواهد شد.

سرمد سعیدی (۱۳۷۸: ۵۴، ۶۲، ۶۵) در مقاله‌ای به بررسی مدیریت اسلامی در عصر حکومت حضرت علی (ع) پرداخته و برای «بقای سیستم» مدلی شامل اجتناب از

خودکامگی، احترام، امنیت، سامان (دانایی، احاطه به امور، نظم، و وقت‌شناسی) و برای کنترل در رهبری حضرت علی (ع) مدلی شامل خودکنترلی (ترس از خدا، در تراز و قرارداد خود)، کنترل مستقیم (سرکشی مستقیم کارگزاران، شرکت در مجمع عمومی)، کنترل غیرمستقیم (گزارش بازرسان، شکایات، و اعتراضات)، و برای انگیزش مدلی شامل افزایش بهره‌وری (علاقه‌مندی به کار، تناسب کار با توانایی)، رضایت (رفاه، امنیت شغلی)، رعایت عدل و دادگری (قدرشناسی، پاداش) ارائه داده است.

فلاح‌زاده و اکبری (۱۳۹۵: ۱۱۷) در مقاله‌ای با بررسی شیوه مدیریت حضرت علی (ع) در زمان خلافت خلفا، علی‌رغم اعتراض به حق غضب‌شده خود، با آن‌ها قطع ارتباط نکرد و غیرمستقیم جامعه را در تمامی عرصه‌های علمی، اعتقادی، قضایی، و نظامی مدیریت می‌کرد و خلفا نیز در بسیاری از امور حکومتی با وی مشورت می‌کردند. قاضی‌خانی (۱۳۹۸: ۱) نیز به بررسی سیره مدیریتی حضرت علی (ع) در مسئله لغزش مالی افراد در حکومت می‌پردازد و بیان می‌کند که امام (ع) به‌سادگی از اخبار لغزش مالی کارگزارانش چشم‌پوشی نمی‌نمود. در استقرا و بررسی لغزش‌های مالی روی داده از راه‌کارهای مورد استفاده حضرت نیز می‌توان به اطلاع‌رسانی خیرخواهانه، بررسی اخبار لغزش مالی، بازنگه‌داشتن مسیر اصلاح، پی‌گیری، و بازگرداندن اموال و مجازات اشاره کرد، اما نکته اصلی آن است که درباره تمامی این مراحل اهتمام اصلی امام (ع) بر «موعظه» نیکو و «اصلاح درونی» کارگزار خاطی بوده است.

هم‌چنین، حاج‌حسینی و دیگران (۱۳۹۸: ۹۴) در مقاله خود به بررسی تبیین مدیریت شایسته‌سالار از دیدگاه نهج‌البلاغه پرداخته است و سه ملاک «بینشی» (ایمان به خدا، تقوا، یاد خدا، ایمان به معاد، اخلاص، عدالت، کرامت انسانی، حساب‌رسی اخروی، و اطاعت از اوامر الهی)، «منشی» (تخصص، تجربه، و تدبیر)، و «کنشی» (امانت‌داری، مسئولیت‌پذیری، و قانون‌گرایی) را برای مدیریت بر مبنای شایسته‌سالاری از دیدگاه نهج‌البلاغه بیان کرده است.

محمدی (۱۳۹۲: ۱) در مقاله‌ای، تحت عنوان «سرمایه انسانی؛ رویکردی نوین در مدیریت اسلامی با تأکید بر تعالیم قرآن کریم»، برخی شاخص‌های سرمایه‌سازمانی در قرآن کریم را ذکر می‌کند: ۱. احترام به حقوق سایر افراد، ۲. همکاری و تعاون، ۳. مشورت، ۴. برابری و برادری، ۵. آگاهی و آموزش، ۶. عدالت، ۷. وفای به عهد، ۸. پرهیز از تقلب یا کم‌کاری، ۹. کار شایسته و عمل صالح، ۱۰. صداقت و اعتماد، ۱۱. مسئولیت انسان و امید به آینده.

### ۳. روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع تحقیقات توسعه‌ای است، زیرا نتایج آن به محتوای کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن دیدگاه وسیع‌تری خواهد داد (خاکی ۱۳۹۰: ۴۲). بررسی و نقد این کتاب در چهارچوب پژوهش کیفی بوده و براساس روش اسنادی انجام گرفته است. در این روش، برای رسیدن به نقد و بررسی کتاب به مطالعه کتاب، مقالات، و اسناد پرداخته شده است. روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعاتی است که قصد مطالعه آن را داریم (Bailey 2007: 112). روش اسنادی مستلزم جست‌وجوی توصیفی و تفسیری است. در این روش، محقق به دنبال واکاوی ذهن و انگیزه‌های پنهان یک مطلب یا متن نیست، بلکه علاقه محقق این است که از فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل‌های تأویلی یک متن خارج شود و آن را به‌عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده بپذیرد و به آن استناد کند (Mogalakwe 2006: 222).

### ۱.۳ مراحل اجرای روش اسنادی

طبق پژوهش صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۴: ۷۱) مراحل اجرای روش اسنادی به‌صورت زیر است:

۱. انتخاب موضوع، تعیین اهداف، و سؤالات: یکی از موضوعات متناسب با روش اسنادی نقد نظری است. موضوعات دیگری مانند جمع‌آوری نظریات متفکران اجتماعی یا مکاتب، مقایسه تطبیقی رویکرد نظریه‌پردازان یا مکاتب، و ... را هم در بر می‌گیرد. در این پژوهش، موضوع و هدف نقد کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن است و سؤال تحقیق این است که کتاب از نظر ساختاری و شکلی، نظری، و محتوایی چگونه است؟
۲. بررسی‌های اکتشافی و پیشینه پژوهش: در بررسی‌های اکتشافی، دست‌یافتن به پیشینه تحقیق است. لازم است تا محقق به پژوهش‌های پیشین بپردازد و جایگاه پژوهش خود را برجسته و آن را دقیق بررسی کند. در این پژوهش، با بررسی پژوهش‌های حوزه مدیریت اسلامی به نقد و بررسی کتاب پرداخته می‌شود.
۳. انتخاب رویکرد نظری: در بررسی‌های اکتشافی، پژوهش‌گر انواع زوایا و چشم‌اندازها به موضوع نظری خود را استخراج می‌کند و پس از مشورت‌ها و مطالعات اولیه باید موضع نظری خود را اتخاذ کند. در این پژوهش از رویکرد درودی (۱۳۹۳)، مبتنی بر دو محور ساختاری- شکلی و نظری- محتوایی، استفاده شده است.

۴. جمع‌آوری منابع و نمونه‌گیری: منابع با چهار معیار اسکات (داشتن اصالت، اعتبار، نمایابودن، و معناداربودن) گزینش شده و با شیوه «تعمدی» و «نظری» نمونه‌گیری منابع انجام گرفته است؛ یعنی با توجه به محورها و اهداف پژوهش و با عنایت به رویکرد نظری خاص پژوهش‌گر دست به انتخاب از بین منابع زده است.

۵. تکنیک‌های بررسی منابع: در تکنیک‌های بررسی منابع از تعیین واژگان کلیدی، فیش‌برداری، طبقه‌بندی، و فهرست اعلام استفاده شد.

۶. پردازش، نگارش، و گزارش متن: در این مرحله در ابتدا به پردازش متن از منظر رعایت ادبیات پارادایمی و اشباع مطالعاتی، سپس به نگارش نقد، و در نهایت به گزارش نقد در نتیجه‌گیری پرداخته شد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

برای نگارش متنی درباره نقد علمی کتاب و متون اطلاعاتی، دو محور عمده مورد توجه قرار می‌گیرد: الف. عوامل مهم و تأثیرگذار در ساختار نگارش و سطوح مربوط به آن، ب. عناصر مهم در تبیین محتوا و مفاهیم تخصصی متن. البته عناصر مؤثر دیگری در سایه این محورها و در ارتباط با ارکان دیگر می‌توان مطرح کرد، ولی همواره این دو رکن مهم در متون انتقادی در مرکز توجه قرار دارند. هریک از این دو مورد از اهمیت خاص برخوردارند و نمی‌توان هیچ‌یک را فدای دیگری کرد. در واقع، ساختار مفهومی در سایه ساختار شکلی انسجام می‌یابد. این دو محور اصلی را همواره در نگارش نقد باید در نظر گرفت و به شیوه مناسبی از آن‌ها بهره برد (درودی ۱۳۹۳: ۲۲۲). در نتیجه، در این پژوهش در دو بخش شکلی و ساختاری و نقد محتوایی و نظری به نقد کتاب پرداخته می‌شود.

#### ۱.۴ نقد شکلی و ساختاری

##### ۱.۱.۴ محاسن کتاب

کتاب حاضر از نظر جلد از کیفیت خوبی برخوردار است و شاید خریدار را به خود جلب کند. از نظر فونت و صفحه‌آرایی نیز از کیفیت مناسبی برخوردار است و از مزایای این کتاب حجم کم آن از کتاب‌های مشابه است. کتاب *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن* سه مقدمه دارد که خواننده را برای خواندن اصول آماده می‌کند، هم‌چنین ذکر مشخصات

تمام آیات و روایات در سراسر کتاب و توضیحات بیش‌تر در زیرنویس برای بعضی آیات و روایات نیز از مزایای این کتاب است.

از منظر ساختاربندی کتاب، نویسنده با آوردن سه مقدمه مهم می‌خواهد ذهن نویسنده را برای مطالب اصلی آماده کند و این یکی از محاسن کتاب است که برای خوانندگان غیرمتخصص نیز درک آن را آسان‌تر می‌کند. اصول پنج‌گانه‌ای که کتاب به آن پرداخته است برای خواننده ملموس، روشن، و قابل‌درک است.

#### ۲.۱.۴ معایب کتاب

کتاب به لحاظ ساختاری و شکلی کاستی‌هایی دارد که نقد آن برای هرچه بهترشدن اثر کمک خواهد کرد. ویرایش کتاب تاحدی مطلوب است، اما ایرادهایی دارد؛ رعایت‌نکردن نیم‌فاصله، برای نمونه «مدیریت‌های» (ص ۱۷۴)؛ رعایت‌نکردن اندازه فونت‌های تیتروهای اصلی با فرعی، برای نمونه فونت «مقدمه» کوچک‌تر از «مستندات اصل بصیرت» است (ص ۱۷۴)؛ استفاده بی‌جا از ویرگول، برای نمونه «درمورد قرآن نیز، آمده است» (ص ۱۷۵)؛ فونت زیرنویس‌ها در بعضی صفحات متفاوت است، برای نمونه زیرنویس ۲ (ص ۱۴۵)؛ استفاده هم‌زمان «ویرگول» و حرف «و» در چندین جا، برای نمونه «به‌خصوص پدیدۀ نسخ، و پدیدۀ ...» (ص ۷).

در ساختاربندی کتاب ایرادی که می‌توان وارد دانست، نبودن تمامی اصول است که موجب می‌شود خواننده فهم ناقص از مدیریت اسلامی داشته باشد. هم‌چنین، از مهم‌ترین بخش‌هایی که کتاب علمی دارای آن است، بخش اعلام است و در این کتاب نویسنده از آوردن آن دریغ کرده است. هم‌چنین، در منبع‌نویسی آخر کتاب مشخص نیست با چه روشی منبع‌ها نوشته شده و در بعضی منابع حتی سال چاپ کتاب یا مقاله نیز درج نشده است. یکی از ایرادهایی که می‌توان در این حوزه بر کتاب وارد دانست، استفاده از کلمات تخصصی فقهی است. با توجه به این که بیش‌تر مخاطبان این کتاب مدیران‌اند و در حوزه فقهی اطلاعات مکفی ندارند، استفاده از بعضی لغات باید با معنی عام آن زیرنویس شود؛ برای نمونه، انداز عشیره (ص ۱۶)؛ معجم‌های قرآن (ص ۵۶)؛ تلبس (ص ۹۶)؛ شأن جری (ص ۷).

با این که کلیت کتاب ساده و روان نوشته شده است، بعضی جملات مبهم است که می‌توان به جای آن‌ها جملات ساده به‌کار برد تا خواننده سریع بتواند مفهوم جمله را درک کند، برای نمونه «پس مدیر اسلامی، مسئول است که اختیار مردم، براساس شعور و آگاهی‌شان باشد، نه براساس جوسازی و تبلیغ و اوضاع ویژه‌ای که پدید می‌آید» (ص ۱۷۴).

## ۲.۴ نقد نظری و محتوایی

در نقد و بررسی محتوایی کتاب در وهله اول به بررسی کتاب در تحقیقات پیشین در حوزه مدیریت اسلامی پرداخته می‌شود که در قسمت پیشینه تحقیق آورده شد، سپس متن کتاب بررسی می‌شود.

کتاب مورد پژوهش در تقسیم‌بندی کتاب‌های مدیریت اسلامی خنیفر (۱۳۸۴) جزو دسته اول قرار می‌گیرد؛ یعنی «کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را با استناد به آیات و روایات و انطباق با مباحث به‌طور مختصر تبیین کرده‌اند». در حقیقت، کتاب *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن* صرفاً به آیات و روایات استناد کرده و یکی از بزرگ‌ترین ایرادهایی که می‌توان به آن وارد دانست، بی‌توجهی به کارکردگرایی است و مطالب کتاب با مدیریت میانی و عملیاتی‌سنجی ندارد. در جواب دو سؤال «یک مدیر از چه ویژگی‌ها و خصوصیات باید برخوردار باشد و چه وظایفی برای مدیر ترسیم شده است؟»، باید گفت کتاب به این دو سؤال مهم مفصل نپرداخته و صرفاً در اصل اعمال مدیریت براساس اختیار نیروها و اصل اعمال مدیریت براساس بصیرت نیروها به این امر مختصر پرداخته است. البته بهتر است یادآوری شود که نویسنده در قسمت «سیر اجمالی مباحث»، ۲۱ اصل را ذکر می‌کند که در این کتاب فقط به پنج اصل آن می‌پردازد.

در مقاله چاووشی (۱۳۸۸)، که رویکردهای نظری مدیریت اسلامی را معرفی کرده است، در حقیقت می‌توان گفت در پنج اصل کتاب به پنج رویکرد نظریه رشد، اصول‌گرایی، اخلاق و ویژگی مدیران، وظایف مدیران، تأثیر ارزش‌های اسلامی در مدیریت اشاره شده است. در اصل دوم (آخرت‌گرایی) به رشد معنوی انسان اشاره دارد، مانند برخورد حضرت موسی (ع) با گوساله سامری که هدف او رشد فکری مردمانش بود. هم‌چنین، در این اصل به اصول‌گرایی نیز اشاره می‌شود، مانند الگوی پیامبر (ص) و زینت دنیا و هم‌چنین الگوی برخورد خداوند با قارون و ثروتش که اشاره به رهبری بدون تفکر مادی و زینتی دارد. در متن کتاب به ویژگی‌های مدیران به‌وفور اشاره شده است، مانند مدیران به‌عنوان مصلحان جامعه، در مقدمه دوم و تدبیر برای مدیران در مقدمه سوم، اما به وظایف مدیران خیلی کم پرداخته شده و بیش‌تر به‌صورت کلی مواردی بیان شده و به مدیریت میانی و اجرایی ورود نکرده است.

رحمتی (۱۳۸۸) در «نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی» به چهار بُعد پرداخته و جایگاه کتاب را در این تحقیق بررسی و به‌صورت خلاصه به‌صورت زیر بیان کرده است:



- الف. بُعد موضوعی یا محتوایی: از کتاب‌هایی است که مباحث مدیریت اسلامی را در حد نظریه‌ها، اصول مدیریت، و حکومت‌داری مطرح کرده است.
- ب. بُعد روش‌شناختی: از کتاب‌هایی است که در آن‌ها مبنا متون و منابع اسلامی است و هر آیه و نشانه‌ای که به‌زعم نویسنده با مباحث مدیریت و حکومت‌داری در جامعه اسلامی مرتبط بوده، گردآوری شده و از ساختاربندی آیات و احادیث کتابی تدوین شده است.
- ج. بُعد منابع مورد استفاده: از کتاب‌هایی است که عمدتاً به استناد آیات و روایات به‌نگارش درآمده‌اند.
- د. بُعد نویسندگان یا مؤلفان: از نویسندگانی است که حوزه تخصصی آن‌ها مطالعات دینی و مذهبی است و مدیریت را به‌طور جنبی و کلی مورد مطالعه قرار داده است.
- در الگوی روش‌شناسی مدیریت اسلامی مقیمی (۱۳۹۸)، که در آن به شش روش اشاره شده است، کتاب مورد پژوهش را به روش نقلی یعنی شناخت حقایق جهان با استفاده از کتاب و سنت معرفی کرده است.
- در تبیین نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی حمیدی‌زاده (۱۳۷۴)، که سه آگاهی را برای مدیران مشخص کرده است، دربارهٔ بینش و آگاهی از احکام و فرامین الهی به‌وفور در کتاب بحث شده است، ولی دربارهٔ دو مورد بعدی یعنی بینش و آگاهی از امور علمی و سیاسی بحثی نکرده است؛ امور علمی و سیاسی که مدیر را برای تدوین استراتژی آینده بصیرت می‌بخشد، اما نویسنده می‌توانست حداقل در اصل اعمال مدیریت براساس بصیرت نیروها این موضوع را نیز ذکر کند. در مقالهٔ سرمد سعیدی (۱۳۷۸) که به بررسی مدیریت اسلامی در دوران امام علی (ع) پرداخته شده، سه مقولهٔ بقای سیستم، کنترل، و انگیزش را مطرح کرده است. با بررسی این سه مقوله در کتاب می‌توان گفت که نویسنده در کتاب مورد پژوهش به‌طور مستقیم روایاتی از نهج‌البلاغه آورده است که بیش‌تر مربوط به بقای سیستم است و بحث کنترل و انگیزش را مطرح نکرده است. الگوهای مربوط به بقای سیستم اشاره می‌کنند به الگوی حضرت علی (ع) و پیش‌نهاد ائتلاف در اصل اول، که اجتناب از خودکامگی و رعایت احترام است، و به الگوی مربوط به نحوهٔ برخورد حضرت علی (ع) با کارگزاران خود، که به اجتناب از خودکامگی دلالت دارد. کتاب به بررسی حضور و مدیریت حضرت علی (ع) در زمان حکومت خلفا نیز اشاره و بیان می‌کند که امام علی (ع) با وجود این‌که خلفا حق خلافت او را گرفته بودند، به آن‌ها کمک می‌کرد و در مقالهٔ فلاح‌زاده و اکبری (۱۳۹۵) نیز در این مورد بحث شده است.

قاضی‌خانی (۱۳۹۸) در مقاله خود درباره برخورد حضرت علی (ع) با کارگزاران خود در هنگام لغزش مالی بحث می‌کند که در کتاب *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن* نیز در الگوی کارگزاران علی (ع) در اصل آخرت‌گرایی درباره آن بحث شده است، اما مورد مهمی که در این بخش ذکر نشده، بر موعظه نیکو و اصلاح درونی کارگزار خاطی است که طبق این مقاله از نظر حضرت علی (ع) بیش‌ترین اهمیت را داشته است. در بررسی مدیریت شایسته‌سالار در مدیریت اسلامی که سه ملاک استخراج شده در مقاله حاج‌حسینی و دیگران (۱۳۹۸) از دیدگاه *نهج‌البلاغه* به آن‌ها پرداخته شده، در کتاب مدنظر بیش‌تر ملاک بینشی (ایمان به خدا، تقوا، یاد خدا، اطاعت از اوامر الهی، و ...) بارزش یاد شده است، اما در ملاک دوم (منشی)، فقط به تدبیر پرداخته شده و درمورد تخصص و تجربه صحبتی نشده است. در ملاک سوم (کنشی) نیز تاحدی به امانت‌داری و قانون‌گرایی پرداخته شده است و مسئولیت‌پذیری در اصول دیگر یاد شده که در این کتاب بحثی از آن‌ها نشده است. بحث امانت‌داری در توصیه‌های پیامبر (ص) و امام علی (ع) به یاران و کارگزاران خود ذکر شده و در بحث قانون‌گرایی نیز در اصل وحدت و هماهنگی درمورد وحدت در قانون صحبت شده است.

کتاب موردپژوهش درمورد شاخص‌های سرمایه‌انسانی، که مقاله محمدی (۱۳۹۲) آن‌ها را از قرآن کریم استخراج کرده، خیلی کم صحبت کرده است و بیش‌تر درباره اصولی است که صرفاً آن‌ها را بیان کرده است و می‌توان گفت تاحدی به شاخص‌های «احترام به حقوق سایر افراد» و «همکاری و تعاون» پرداخته است و درمورد شاخص‌های مهمی مثل مشورت، عدالت، مسئولیت انسان، و امید به آینده بحثی نکرده است.

بعد از بررسی پیشینه پژوهش درمورد مدیریت اسلامی و بررسی جایگاه کتاب درمورد تحقیقات انجام‌شده در این حوزه به‌صورت خلاصه به بررسی دیگر ابعاد محتوایی کتاب پرداخته می‌شود.

از منظر آموزشی بودن کتاب باید به بررسی سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رجوع کرد که در مصوبه سال ۱۳۹۳، تعاریف و مفاهیم، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، انگیزش، رهبری، تصمیم‌گیری، سلوک مدیریت، لغزشگاه‌ها، و کنترل آمده است. این کتاب به‌دلیل این‌که تمام اصول مطرح‌شده در پیش‌گفتار را نیاورده و بسیاری از این سرفصل‌ها در کتاب ذکر نشده است، مانند کنترل، انگیزش، و ...، در نتیجه به‌عنوان منبع درسی مناسب نیست.

یکی از کتاب‌های مشابه که برای مقایسه و تکمیل نقد کتاب حجة الاسلام نقی پورفر وجود دارد، کتاب *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن*، نوشته انصاری و دیگران (۱۳۹۱) است. این کتاب با کتاب حجة الاسلام نقی پورفر تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد. کتاب انصاری و دیگران شامل سه بخش است که دو بخش اول آن شبیه کتاب مورد پژوهش است و در بخش اول مقدماتی در مورد ورود به مدیریت اسلامی آورده شده و در بخش دوم به اصول مدیریت اسلامی پرداخته شده است. در بخش سوم نیز به تعریف واژگان و اصطلاحات پرداخته که یکی از کمبودهای کتاب مورد پژوهش است. تفاوت مهم و بزرگی که می‌توان اذعان کرد، این است که در تدوین این کتاب سه اصل توحید، معاد، و نبوت مبنا قرار گرفته است که در فصول جداگانه بحث شده‌اند. هم‌چنین، از منظر تطبیقی به مباحث مدیریت علمی نیز توجه ویژه شده است و کتاب مورد پژوهش در این مورد کاستی‌هایی دارد. در بعضی قسمت‌های اصول مدیریت اسلامی مطالبی بدون منبع موثق آورده شده و با توجه به این که این کتاب از کتاب‌هایی است که به آیات و روایات استناد شده است، باید منبع برای همه مطالب آورده شود؛ برای نمونه، مطالب زیر عنوان «وحدت در تعامل» (ص ۱۴۶). این کتاب در قسمت مقدمه اول تا سوم از لحاظ تدوین مطالب مطلوب نیست و خواننده‌ای که از حوزه تخصصی مدیریت به مطالعه این کتاب رجوع می‌کند، فهم مطالب و کلمات برای وی سخت است، اما در قسمت اصول تاحدودی بهتر و درک مطالب آسان‌تر می‌شود. هم‌چنین، در بعضی تفاسیر آیات قرآن از کلمات و جملات تخصصی استفاده شده است که برای مخاطبان این نوع کتاب مناسب نیست.

## ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

کتاب *اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن*، نوشته حجة الاسلام نقی پورفر، آخرین چاپ آن به سال ۱۳۹۴ برمی‌گردد. با وجود تمام محاسنی که دارد کاستی‌هایی نیز دارد. این کتاب در مغازه‌ها و سایت‌های فروش کتاب به ندرت یافت می‌شود. شاید به علت منبع درسی نبودن در دانشگاه‌ها باشد که نیاز به کتاب را کم‌تر کرده است. در بخش یافته‌ها، کتاب مورد نقد و بررسی مفصل قرار گرفت. این نقد و بررسی به منظور کمک به بهبود کتاب در چاپ‌های بعدی است. از اهداف کاربردی کتاب که در پیش‌گفتار به آن اشاره شده است، استفاده از آن به عنوان منبع درسی دانشگاهی است که با توجه به بررسی و تطابق آن با برنامه مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منبع کاملی نمی‌تواند باشد، اما از جنبه‌های کاربردی دیگر مانند آشنایی مدیران با اصول مدیریت اسلامی کتاب مناسبی است. کتاب

حاضر در سه مقدمه به آماده‌سازی خواننده در حوزه دین و شناخت اسلام پرداخته و شاید اساسی‌ترین کاستی این سه بخش استفاده از کلمات و اصطلاحات سنگین است که مناسب خوانندگان این کتاب نیست. سپس از ۲۱ اصولی که در اوایل کتاب ذکر کرده است تنها پنج اصل اول آن توضیح داده می‌شود. باتوجه به بخش یافته‌ها، ایراد اساسی کتاب جامع‌نبودن حاصل از نبود همه اصول است که خواننده را کامل قانع نمی‌کند و به دنبال مواردی در علم مدیریت مانند کنترل، مسئولیت‌پذیری، سلسله مراتب، و ... است. باین که یکی از مزیت‌های کتاب آوردن آیات و روایات متعدد برای هر عنوان و الگوست، اما همین باعث شده است که کتاب به مبحث‌های دیگر مجال پرداختن نداشته باشد. کتاب در سال ۱۳۷۹ به قلم دکتر نبوی نیز مورد نقد قرار گرفته است. در این مقاله از سه منظر غنای تحقیق، محتوای کتاب، و شیوه نگارش بررسی و نقد شده است و بیش‌تر در این مقاله مشاهده می‌شود که به درستی یا نادرستی مطالب از منظر دینی و نقد برداشت‌ها از تفاسیر آیات و روایات پرداخته است، اما کم‌تر به کامل و جامع بودن و مقایسه تطبیقی کتاب پرداخته است. در مقاله «نقد و بررسی کتاب مدیریت اسلامی دکتر نبوی»، نوشته باقری (۱۳۸۴)، مؤلف به نقد روشی و محتوایی پرداخته و نقد روشی را با بررسی رویکردها به مدیریت اسلامی به کار گرفته و در بخش محتوایی نکات مثبت و منفی کتاب را بررسی کرده است. اما در این پژوهش برخلاف دو نقد مشابه مذکور با استفاده از روش اسنادی و گام‌به‌گام با این روش به نقد کتاب پرداخته شده است و همچنین نقد شکلی کتاب نیز به صورت مجزا بررسی شده است.

در ادامه، برای هر چه بهتر شدن کتاب پیش‌نهادهایی طبق یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود:

۱. کتاب به ویرایش نیاز دارد تا بعضی ایرادات رفع شود، باین که ایرادات کمی دارد.
۲. باتوجه به نوع کتاب، مطلوب است که در صفحات آخر فهرست اعلام گذاشته شود و کلماتی که معانی مبهمی دارند در زیرنویس یا بخش اعلام توضیح داده شوند. همچنین، به اصلاح منابع به یک روش استاندارد ارجاع‌نویسی اقدام شود.
۳. کتاب باید در هر اصل، علاوه بر استناد بر آیات و روایات و الگوها، به اجرایی کردن الگوها در حال حاضر اشاره کند، زیرا هر خواننده‌ای به دنبال امروزی بودن این روایات یا به عبارتی تفسیر الگوها، آیات، و روایات از لحاظ حوزه تخصصی مدیریت است.
۴. باتوجه به نیاز مبرم آینده‌نگری در مدیران پویا، کتاب‌های مدیریت اسلامی نیز باید در یک اصل جداگانه به تدوین آینده‌پژوهی و آینده‌نگری بپردازند که یکی از کاستی‌های مهم فقدان این موضوع در این کتاب است.

۵. انگیزش بحث دیگری است که در حال حاضر در مدیریت غربی به آن بسیار توجه می‌شود؛ موضوعی که می‌تواند بازده سازمان آخرت‌گرا را دوچندان کند و به هدف نزدیک کند. این موضوع خیلی کم به آن پرداخته شده و باید وارد روایات برخورد پیامبر (ص) و امامان (ع) با زیردستان خود در حوزه انگیزه شد تا الگوهایی در این زمینه نیز مطرح شود.
۶. در کتاب چندین روایات در مورد امام علی (ع) ذکر شده است، اما مطمئناً به‌طور کامل در مورد مدیریت امام علی (ع) در عصر خلافتش روایات آورده نشده‌اند، مانند نحوه برخورد امام علی (ع) با لغزش مالی کارگزاران خود که موعظه و اصلاح درونی اولویت حضرت علی (ع) بود.
۷. یکی دیگر از اصولی که باید ذکر می‌شد، شایسته‌سالاری و مدیریت مبتنی بر شایسته‌سالاری است.
۸. نویسنده باید به مباحث علمی مدیریت از منظر تطبیقی نیز توجه کند و آن‌ها را در متن بگنجانند.
۹. با توجه به این که بعضی عناوین بدون منبع آیات و روایات نوشته شده است، تلاش شود که منابع موثق آن مطالب نیز به پیوست آورده شود.
- در نهایت می‌توان گفت یکی از موانع بزرگ نقد و بررسی بهتر این کتاب کامل نبودن آن است. نویسنده در اوایل کتاب توضیح می‌دهد که از ۲۱ اصلی که در نظر گرفته، پنج اصل آن را بررسی کرده و اصول دیگر در فرصت دیگر بررسی خواهد شد. این ناقص بودن موجب شده که خواننده به دنبال کتاب مکمل برای اصول مدیریت اسلامی بگردد. البته یکی از دلایلی که نویسنده به پنج اصل اکتفا کرده، استناد بسیار مطالب به آیات، روایات، و تفاسیر آنهاست که خود مزیت به حساب می‌آید.
- با وجود نقدهای وارد بر این کتاب، نمی‌توان از نکات مثبت و محاسن آن چشم پوشید، زیرا نویسنده آن از محققان برتر حوزه مدیریت اسلامی است و چندین مقاله در این حوزه نیز نوشته است.

## کتابنامه

- انصاری، محمدعلی، سیدسعید مرتضی، و حبیب‌الله دعایی (۱۳۹۱)، مدیریت اسلامی و الگوهای آن، مشهد: بیان هدایت نور.
- باقری، ناصر (۱۳۸۴)، «نقد کتاب مدیریت اسلامی تألیف حجة الاسلام محمدحسین نبوی»، مجله علوم انسانی، س ۱۴، ش ۶۰.

چاوشی، سیدکاظم (۱۳۸۸)، «بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی»، فصل‌نامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی، س ۱، ش ۲.

حاج‌حسینی، رقیه، احمد شجاعی، و علی‌رضا عبدالرحیمی (۱۳۹۸)، «استتیزپژوهی تبیین مدیریت اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه با تأکید بر مدیریت شایسته‌سالار»، فصل‌نامه پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه، س ۷، ش ۲۸.

حمیدی‌زاده، محمدرضا (۱۳۷۴)، «تبیین نقش پیش‌بینی و آینده‌نگری در نظام مدیریت اسلامی»، فصل‌نامه مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، س ۵، ش ۲۰.

خاکی، غلامرضا (۱۳۹۰)، روش تحقیق در مدیریت، تهران: بازتاب.

خنیفر، حسین (۱۳۸۴)، «تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب»، فصل‌نامه فرهنگ مدیریت، س ۳، ش ۱۰.

درودی، فریبرز (۱۳۹۳)، «درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن»، فصل‌نامه نقد کتاب؛ اطلاع‌رسانی و ارتباطات، س ۱، ش ۳-۴.

رحمتی، محمدحسین (۱۳۸۸)، «نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای»، فصل‌نامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، س ۱، ش ۴.

سرمدی، سهیل (۱۳۷۸)، «مدیریت اسلامی در عصر حکومت حضرت علی (ع)»، آینده‌پژوهی مدیریت، س ۱۱، ش ۱.

صادقی‌فسایی، سهیلا و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۴)، «مبانی روش‌شناختی پژوهش‌های اسنادی در علوم اجتماعی (مورد مطالعه: تأثیرات مدرن‌شدن بر خانواده ایرانی)»، فصل‌نامه راهبرد فرهنگ، ش ۲۹.

فلاح‌زاده، محمدهادی و راضیه علی‌اکبری (۱۳۹۵)، «شیوه مدیریت حضرت علی (ع) در جامعه اسلامی عصر خلفا»، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، س ۳، ش ۶.

قاضی‌خانی، حسین (۱۳۹۸)، «سیره مدیریتی امیرالمؤمنین (ع) در مسئله لغزش مالی کارگزاران حکومت علوی»، فصل‌نامه علمی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۱۰، ش ۳۶.

کیا، منوچهر (۱۳۷۷)، تئوری‌های مدیریت و مدل‌های سازمان، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

محمدی، حسین (۱۳۹۲)، «سرمایه انسانی، رویکردی نوین در مدیریت اسلامی با تأکید بر تعالیم قرآن کریم»، در: مجموعه مقالات دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت‌ها.

محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۵)، اخلاق مدیریت در اسلام، قم: دارالحدیث.

مقیم، سیدمحمد (۱۳۹۸)، اصول و مبانی مدیریت اسلامی، تهران: انتظارات راه دانش.

نقی‌پورفر، ولی‌الله (۱۳۸۳)، مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی.

نقی‌پورفر، ولی‌الله (۱۳۹۴)، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، تهران: ثنای دانش.

نقد کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن به روش اسنادی (رسول استادی و روح‌اله تولایی) ۴۹

نبوی، محمدحسین (۱۳۷۹)، «نقد و بررسی کتاب اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن حجة الاسلام  
نقی پورفر»، مجله میان‌رشته‌ای نامه علوم انسانی، ش ۲.

Bailey, K. D. (2007), *Methods Of Social Research*, New York: The Free Press.

Mogalakwe, M. (2006), "The Use of Documentary Research Methods in Social Research",  
*African Sociological Review*, no. 10.

